کارکرد سیاسی تبادل هدایا در مناسبات صفویان با عثمانی

فرزاد خوش آب،

دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه لرستان، ایران.

Farzad.69.fk@gmail.com

چکیده

از ادوار گذشته تا کنون سفرایی که با اهداف سیاسی و اقتصادی روانه‌ی کشورهای دیگر می‌شدند پس از باریابی هدایایی را تقدیم می‌کردند. با روی کار آمدن صفویان و گسترش مناسبات خارجی به‌ویژه با دولت عثمانی هدایای تقدیمی به مانند گذشته اهمیت خود را حفظ کرد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع رسمی و سفرنامه‌های اروپاییان به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که پس از روی کار آمدن صفویان و آغاز روابط سیاسی با دولت عثمانی هدایا و دقت در گزینش نوع آن‌ها با چه اهدافی انجام می‌شد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تقدیم هدایا روابط ایران و عثمانی را به طور مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر قرار می‌داد. به این ترتیب که در مراودات مستقیم بین شاهان صفوی و سلاطین عثمانی از هدیا تقدیمی به منظور تهدید، تحقیر، نمایش اقتدار، دلجویی، صلح و تحویل پناهنده‌ها انجام می‌شد. از طرفی به‌طور غیر مستقیم از هدایا در مناسبات صفویان با دول اروپایی به منظور اتحاد علیه دشمن مشترک (عثمانی) استفاده می‌شد که در این مناسبات هوشمندی در گزینش نوع هدایا اهمیت ویژه‌ای داشت.

کلیدواژه‌ها: صفوی، عثمانی، هدایا، تهدید، تحقیر.

۱-بیان مسأله

قبل از روی کار آمدن صفویان خاندان‌های حکومتگر در ایران همواره با دول همسایه و در مواقعی با دولت‌های اروپایی مناسباتی برقرار کردند. اما روی کار آمدن صفویان فصل جدیدی از مراودات خارجی ایران با دول آسیایی و اروپایی را رقم زد. شاه‌اسماعیل صفوی پس از سرکوب مخالفان و تثبیت جایگاه خود به حکومت صفوی رسمیت بخشید و مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرد. سپس با لشکرکشی‌های مداوم به توسعه‌ی قلمرو صفویان اقدام کرد. به طوری که دولت‌های همسایه‌ی ایران در شرق و غرب به ویژه عثمانی‌ها از نظر سیاسی و مذهبی رویاروی آن‌ها قرار گرفتند. ابتدا در زمان سلطنت بایزید دوم روابط دوستانه از طریق ارسال سفرا نامه‌ها و هدایای تقدیمی به صورت ظاهری حفظ شد. اما به دنبال اقدامات توسعه‌طلبانه‌ی شاه‌اسماعیل سلطان سلیم اول آتش اختلافات را شعله‌ور کرد که در ادامه به درگیری دو دولت منتهی شد تا دورهٔ دوم سلطنت صفویان تداوم یافت. اما در گیرودار منازعات و جنگ‌های طولانی‌مدت اقدام به ارسال هدایا با توجه به شرایط زمانی نقش مهمی در مراودات سیاسی بین دو دولت داشت. هدایایی که با دقت خاص انتخاب می‌شدند و اهداف خاصی در پس آن‌ها نهفته بود گاهاً شرایط را تغییر می‌داد و سهم به‌سزایی در نیل به مقاصد سیاسی و نظامی داشتند. از این رو پژوهش حاضر در صدد است با توجه به مناسبات گسترده‌ی ایران و عثمانی در عصر صفوی نقش هدایا و تاثیر آن‌ها در شرایط مختلف اعم از جنگ و صلح را در مراودات مستقیم و غیرمستقیم بین دو دولت واکاوی نماید و سپس به پرسش اصلی پژوهش پاسخ دهد که: کارکردهای هدایا در مناسبات ایران و عثمانی چه بود و چه تاثیری در مناسبات دو دولت داشت.

۲-فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش بر این است که تقدیم هدایا در مناسبات دیپلماتیک بین دول مختلف علاوه بر جنبهٔ تشریفاتی آن در مواقع خاص به‌ویژه در زمان اختلاف و جنگ از منظر سیاسی کارکردهای متفاوتی داشتند. از این رو در مناسبات صفویان با دولت عثمانی در پس هدایای ارسالی اهداف سیاسی نهفته بود.

۳-پیشینهٔ پژوهش

در رابطه با پژوهش حاضر پژوهش مستقلی صورت نگرفته است اما برخی از منابع و تحقیقات جدید در حوزهٔ روابط خارجی صفویان که روابط دربار صفوی با دولت عثمانی را مورد بررسی قرار داده‌اند را می توان در چند دسته تقسیم کرد. دستهٔ اول راجر سیوری(۱۳۸۹) در کتاب« ایران در عصر صفوی» رویمر و دیگران(۱۳۸۰) در کتاب «تاریخ صفویان» نوائی و غفاری فرد() در کتاب«تحولات، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران در عصر صفوی» ، پژوهشگرانی هستند که حکومت صفوی را از منظر سیاست داخلی و خارجی مورد بررررسی قرار داده‌اند و در بحث روابط خارجی به مناسبات با دربار عثمانی اشاراتی داشته‌اند اما در گزارش‌های آن‌ها استفاده از هدایا، هدف از ارسال و کارکردهای آن مغفول مانده است. دستهٔ دوم، متی درکتاب«اقتصاد و سیاست خارجی در عصر صفوی»؛ نوائی ؛ مهدوی(۱۳۵۰) در کتاب«روابط خارجی ایران»؛ پژوهشگرانی را شامل می‌شود که به‌طور اخص روابط خارجی صفویان را مورد واکاوی قرار داده‌اند که علی‌رغم اشاراتی به ردوبدل شدن هدایا، از اهداف و کارکردهای آن در مناسبات دربار صفوی با دولت عثمانی سخنی به میان نیاورده‌اند. دستهٔ سوم، عابدینی(۱۳۸۶) در مقالهٔ« مناسبات سیاسی دولت صفوی با امپراطوری عثمانی از معاهدهٔ ذهاب تا سقوط

اصفهان(۱۰۴۹نت ۱۱۳۵ق/۱۶۳۹تا ۱۷۲۲م.)»؛ ساریحان و روح اللهی امیری(۱۳۹۹)در مقالهٔ مناسبات تقابلی دو دولت صفوی و عثمانی»؛ حسینی (۱۳۸۹)در مقالهٔ« پی آمدهای سیاسی تنش بین صفویه و عثمانی» پژوهش‌هایی هستند که روابط دربار صفوی با عثمانی را بررسی کرده‌اند اما در این روابط به سهم و کارکرد هدایا اشاره‌ای نرفته است.

٤-تبادل هدایا و اهمیت آن در عصر صفوی

هدیه به هر نوع تقدیمی اطلاق می‌شود که در ادوار مختلف تاریخ ایران تقدیم هدایا در مناسبات خارجی امری مرسوم بود که دامنهٔ آن به دورهٔ صفوی نیز کشیده شد. با روی کار آمدن صفویان و گسترش مناسبات خارجی با دول همسایه(عثمانی، ازبک و گورکانیان) و دول اروپایی همواره سفرای طرفین برای نیل به مقاصد گوناگون اعم از مقاصد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در رفت و آمد بودند. در این بین یکی از اصول مهم دیپلماتیک که تقریبا همهٔ دولت‌ها و به طور اخص پادشاهان آن را رعایت می‌کردند تقدیم هدایای ارزشمند به شخص هم‌تراز خود بود. اما باید اذعان کرد انتخاب نوع هدایا در شرایط و زمان‌های مختلف متغییر بود و گاهی با قصد و نیت خاصی انتخاب می‌شد. از این رو تقدیم هدایا در مناسبات خارجی عصر صفوی از اهمیت بالایی برخوردار بود به‌طوری که در مناسبات خارجی صفویان با گورکانیان (عالم‌آرای شاه‌طهماسب، 1342 ، ۲۵۹–۶؛ ترکمان، ۱۳۵۰ : ۹۹/۱) ، ازبک‌ها(ترکمان،۱۳۵۰: ۸۱۹/۲–۸۲۰؛ منجم یزدی،۱۳۹۸ : ۴۳۷–۴۴۰)، انگلیس(تاورنیه،۱۳۹۹ :۱۵۴)، اسپانیا(فیگوئروا،۱۳۶۳ : ۳۶۳)، پرتغال(فیدالگو،۱۳۵۷: ۷۱–۷۵)، هلند(شاردن،۱۳۷۴ :۳۱۳/۲)، فرانسه(شاردن، ۱۳۷۵: ۱۶۶۷/۵)، سوئد(کمپفر،۱۳۶۳ : ۲۷)، لهستان(کمپفر،۱۳۶۳ : ۲۷۱) تقدیم هدایا جزء جدایی ناپذیر روابط دیپلماتیک با این دولت‌ها بود. اما در این بین مناسبات صفویان با دولت عثمانی که از ابتدای شکل‌گیری حکومت صفوی با تنش و درگیری همراه بود و تقریبا تا پایان عمر این سلسله تدوام داشت در باب تقدیم هدایا و اهمیت آن در روابط بین دو دولت بین دولت حائز اهمیت بود که مهم‌ترین کارکردهای آن عبارت بودند از:

٤-۱-کارکرد هدایا در مسأله پناهندگان ایران و عثمانی

در دورهٔ صفویه شاهزادگان مدعی قدرت و سلاطینی که از سلطنت خلع می‌شدند به منظور رسیدن به قدرت به دربار دولت‌های مخالف و معاند پناهنده می‌شدند. در واقع آن‌ها به دنبال حامیانی بودند که از طریق آن‌ها جایگاه و موقعیت خود را تحکیم و تثبیت کنند و یا قدرت از دست رفتهٔ خود را باز یابند. در این بین اختلافات و درگیری‌های صفویان با همسایگان‌شان(عثمانی‌ها، گورکانیان، ازبکان) عامل مهمی در پناهنده شدن مدعیان قدرت به دربار کشورهای مخالف بود و به‌نظر می‌رسد پناهندگان سیاسی از چند منظر برای دولت‌های حامی آن‌ها حائز اهمیت بودند. ۱. دولت‌های حامی با کمک‌رسانی به پناهندگان می‌توانستند دشمنان دیرینهٔ خود را به متحد و حتی دست‌نشانده تبدیل کنند. ۲. در زمان درگیری و جنگ حضور پناهنده‌ها در دربار دشمن به عنوان یک خطر بالقوه محسوب می‌شد و تا حدودی می‌توانست از منازعات بیشتر جلوگیری کند. به همین علت سلاطین وقت برای دفع و جلوگیری از خطرات پناهنده‌ها، شیوه‌های متفاوتی را در پیش می‌گرفتند که یکی از آن‌ها ارسال هدایا به منظور تحویل گرفتن پناهنده‌ها بود. در مقابل دولت‌های حامی برای استفاده از مزایای سیاسی حضور پناهنده‌ها در دربار خود نیز به ارسال هدایا اقدام می‌کردند.

در زمان شاه‌اسماعیل صفوی پس از شدت گرفتن اختلافات صفویان با عثمانی‌ها سلطان‌مراد به عنوان یکی از مدعیان سلطنت بعد از مرگ بایزید دوم به ایران پناهنده شد و از ارسال هدایا اطلاعی در دست نیست(روملو،۱۳۵۷ :۱۷۵/۱). با روی‌کارآمدن شاه‌طهماسب بیشترین پناهنده‌ها روانهٔ دربار ایران و عثمانی شدند و از هدایا برای تحویل گرفتن آن‌ها استفاده شد. در این زمان اختلافات داخلی میان بزرگان، شاهزادگان و شاه برای رسیدن به سلطنت شدت گرفت و مدعیانی هم‌چون المه سلطان که در رسیدن به سلطنت ناکام مانده بودند، برای تحقق خواسته‌های خود به دشمن صفویان در غرب یعنی عثمانی‌ها پناهنده شدند اما منابع عصر صفوی از ارسال

هدایا اطلاعاتی به دست نمی‌دهند. این در حالی است که شاه طهماسب برای تحویل گرفتن شاهزادگان مدعی و مشروع سلطنت، هدایایی را برای انجام مذاکره ارسال کرد. در این دوره مهم‌ترین مدعی تاج‌وتخت (برادر شاه‌طهماسب) القاص‌میرزا بود که پس از مخالفت با شاه و شکست از او به سلطان‌سلیمان عثمانی پناهنده شد(شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۸۹–۹۵؛ روملو، ۱۳۵۷: ۴۲۳/۱؛ قمی، ۱۳۸۳: ۳۲۳/۱؛ شاه طهماسب، ۱۳۴۲: ۷۴). تجربهٔ شاه‌طهماسب از تبعات پناهندگی المه‌سلطان سبب شد تا برای دست‌یابی به مهم‌ترین تهدیدکنندهٔ تاج‌وتخت اقداماتی انجام دهد. در واقع حمایت سلطان عثمانی از القاص‌میرزا و تلاش او برای رسیدن به سلطنت ایران، شاه‌طهماسب و جایگاه او را تهدید می‌کرد. به همین دلیل در طی مذاکرات و مکاتبات فی‌مابین، شاه‌طهماسب سعی داشت خطر و تهدید او را مرتفع کند. در این زمینه یکی از مهم‌ترین اقدامات شاه طهماسب ارسال هدایا بود،که موثر واقع نشد(شاه طهماسب، ۱۳۴۲: ۷۴). هر چند به کارگیری این شیوه از سوی شاه‌طهماسب با شکست مواجه شد اما در طی سال‌های بعد و پناهنده شدن بایزید عثمانی به شاه‌طهماسب، این شیوه از سوی شاه‌سلیمان به کار گرفته شد. در سال ۹۶۶ه.ق/۱۵۵۸م. زمانی‌که سلطان‌سلیمان عثمانی، بایزید را از حکومت کوتاهیه عزل کرد و سلیم را به عنوان حاکم آن منطقه انتخاب کرد، بایزید با آگاهی از این اخبار برای مقابله با سلیم لشکرکشی کرد. اما در مواجهه با او شکست خورد و به سمت ایران فرار کرد. پس از آمدن او به ایروان شاه قلی خان خبر پناهنده شدن او را به شاه‌طهماسب رساند(روملو، ۱۳۵۷: ۵۲۱/۱–۵۲۴؛ قمی، ۱۳۸۳: ۴۰۱/۱–۴۰۳؛ قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۹۲؛ شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۵۴–۱۵۶؛ قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۸۶؛ شاه طهماسب، ۱۳۴۲: ۷۴).

اهمیت سیاسی پناهندگی بایزید برای شاه‌طهماسب در میانهٔ جنگ ایران و عثمانی باعث شد، تا پس از ورود به ایران به طرز باشکوهی از او استقبال و پذیرایی شود. به این ترتیب که بایزید پس از ورود به هر منطقه از سوی حکام مورد استقبال قرار می‌گرفت و پیشکش‌های زیادی دریافت می‌کرد(روملو، ۱۳۵۷: ۵۲۴/۱–۵۲۶؛ قمی، ۱۳۸۳: ۴۰۷/۱؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۰۱/۱). در مقابل بنابر اهمیت موضوع سلطان سلیمان عثمانی ، شاه طهماسب را تهدید کرد که حمایت او از بایزید مذاکرات صلح آماسیه را به خطر می‌اندازد و دولت عثمانی دیگر حاضر به صلح نخواهد شد(شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۱۴–۱۱۵؛ شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۵۵–۱۵۶؛ قمی، ۴۰۴/۱۳۸۳:۱؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۰۳/۱؛ شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۷۵). عثمانی‌ها هم‌چنین برای پیشبرد کار خود علی‌رغم تهدیدات انجام شده هدایایی به شاه‌طهماسب تقدیم کردند. در پی این اقدامات شاه‌طهماسب قصد داشت از حضور بایزید در مناسبات دیپلماتیک بهره ببرد(قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۹۳–۱۹۴). به همین دلیل هر یک از طرفین برای جلب نظر طرف مقابل علاوه بر فرستادن سفیر هدایایی نیز ارسال کردند. ابتدا شاه‌طهماسب برای جلوگیری از به هم خوردن مذاکرات صلح و حفظ بایزید در مقابل تهدیدات عثمانی‌ها، علی آقا آقچه سقل قاجار و ارشتی آقا مهانلو ذوالقدر را به همراه هدایا و به منظور تقاضای عفو و امان برای بایزید نزد سلطان سلیمان فرستاد(شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۱۶؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۵–۸۶؛ بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۸؛ شاه طهماسب؛ ۱۳۴۲: ۷۵). که مورد قبول واقع نشد. در ادامه شاه‌طهماسب بار دیگر هدایایی را به همین منظور روانهٔ دربار عثمانی کرد(حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۷۵–۷۶) که این امر را می‌توان نشانگر اهمیت پناهندگان سیاسی در زمان جنگ و صلح دانست. اما در این بین اقدام بایزید مبنی بر قتل شاه‌طهماسب و خیانت به او، سبب شد از سوی شاه صفوی مواخذه شود(بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۸؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۵–۸۶؛ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۲۰؛ شاه طهماسب، ۱۳۴۲: ۷۶–۷۷؛ شاملو، ۱۳۸۱: ۸۰/۱–۸۱). به دنبال خیانت و اسارت بایزید سلطان‌سلیمان بلافاصله در سال ۶۹۸ه.ق برای استرداد او علی پاشا حاکم مرعش و حسن آقا قاپوچی‌باشی را به همراه ۷۰۶ نفر با هدایایی شامل کمر شمشیر، کمر خنجر و اقمشهٔ نفیس فرنگ به دربار صفوی روانه کرد تا علاوه بر درخواست استرداد بایزید بر انجام مذاکرات صلح تاکید کند، که به دنبال آن شاه‌طهماسب نیز جعفربیگ کنگرلو را برای مذاکرات صلح به همراه آن‌ها روانهٔ دربار عثمانی کرد(روملو، ۱۳۵۷: ۵۳۲/۱؛ قزوینی، ۱۳۴۳: ۳۰۶؛ بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۹؛ قمی، ۱۳۸۳: ۴۱۷/۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۶). پس از انجام مذاکرات مجددا در سال ۹۶۹ ه.ق/۱۵۶۱م.

خسروپاشا حاکم وان و علی آقا حاکم مرعش و محضربیگ با هدایایی برای استرداد بایزید شرفیاب شدند(روملو، ۱۳۵۷: ۵۳۵/۱). هدایای همراه آن‌ها شامل ۴۰ اسب تازی مرصع و ۱۵ هزار اشرافی بودند (که عبارت بود از ۳۰ تومان تبریزی و بسیاری از تنسوقات رومی و یمن و مصر و فرنگ)(جنابذی، ۱۳۷۸: ۵۵۲). در نهایت اقدامات شاه سلیمان به‌ویژه ارسال هدایا مبنی بر استرداد بایزید با موفقیت همراه بود و زمانی که سفرای عثمانی در ایران حضور داشتند بایزید به آن‌ها تحویل داده شد و بلافاصله او را به قتل رساندند(روملو، ۱۳۵۷: ۵۳۵/۱؛ شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۵۷؛ قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۹۶–۱۹۷؛ قزوینی، ۱۳۴۳: ۳۰۷؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۰۴/۱؛ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۲۰؛ شاملو، ۱۳۸۱: ۸۲/۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۸؛ بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۸). در این زمینه به نظر می‌رسد تحویل بایزید از سوی شاه‌طهماسب علی‌رغم مفاد صلح آماسیه معلول دو علت بود: ۱. خیانت بایزید ۲. حرص و طمع شاه طهماسب به گرفتن هدایا. به این ترتیب که با خیانت بایزید از جنبهٔ سیاسی پناهندگی و نقش او در مناسبات شاه‌طهماسب و شاه سلیمان کاسته شد. به همین علت شاه طهماسب برای حفظ مفاد صلح و بهره‌گیری از مزایای مادی آن یعنی گرفتن هدایا اقدام کرد به گونه‌ای که تذکرهٔ شاه‌طهماسب در مورد تحویل بایزید اذعان دارد: « ما در برابر این نوع خدمت کلی از حضرت خداوندگار و سلیم خان جایزه و جلدویی که لایق ایشان باشد می‌خواهم و در عالم دوستی از خداوندگار توقع دارم که اذیت به سلطان بایزید و فرزندان او نرسد»(شاه طهماسب، ۱۳۴۲: ۷۸). از این رو ارسال هدایا به‌ویژه در رابطه با پناهندگان ایران و عثمانی نقش اساسی داشت و هر یک از دولت‌های متخاصم برای استرداد پناهنده‌ها به ارسال هدایا اقدام می‌کردند.

٤-۲-کارکرد هدایا در اتحاد علیه دشمن مشترک(عثمانی)

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هدایا در مناسبات دیپلماتیک استفاده از آن برای جلب نظر دول دیگر به منظور اتحاد علیه دشمن مشترک بود. دربار صفوی و هم‌چنین دولت‌های خارجی برای از میان برداشتن دشمن مشترک به همراه سفرا هدایایی را ارسال می‌کردند. در این دوره مهم‌ترین دشمن صفویان و دول اروپایی، عثمانی‌ها بودند که به منظور پایان دادن به برتری آن‌ها اقداماتی برای اتحاد علیه آن‌ها صورت گرفت.

در آغاز تشکیل حکومت صفویه اختلاف و درگیری با دولت عثمانی(عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۳۹–۱۶۰) باعث شد شاه‌اسماعیل صفوی برای تشکیل اتحادیه‌ای علیه آنان اقدام کند. یکی از مهم‌ترین دولت‌هایی که شاه‌اسماعیل با ارسال هدایا و سفرا در صدد جلب حمایت و اتحاد آن‌ها برآمد پرتغال بود. او در اولین برخورد با پرتغالی‌ها پس از فتح هرمز به منظور اتحاد علیه عثمانی‌ها هدایایی برای آلبوکرک ارسال کرد. از طرف دیگر تهدید پرتغال توسط عثمانی‌ها در اقیانوس هند باعث شد سفیری به‌نام روی‌گومش به ایران روانه کنند که در ادامه با مرگ او سفارت پرتغال بی‌نتیجه ماند (سال۹۱۳ه.ق/ ۱۵۰۸م.)(قائم‌مقامی، بی‌تا : ۴۶–۴۸). پس از بی‌نتیجه ماندن این سفارت‌ها چندین بار دیگر سفرایی از سوی طرفین فرستاده شد که علاوه بر عدم ارسال هدایا نتیجه‌ای در باب اتحاد علیه عثمانی در بر نداشتند(قائم‌مقامی، بی‌تا : ۴۹–۵۵). از سوی دیگر شاه‌اسماعیل به منظور اتحاد علیه عثمانی با دولت مصر (سال۹۲۱ه.ق/۱۵۱۶م.) و ونیز(زنو، ۱۳۸۱: مهدوی،۱۳۵۰ : ۲۴–۲۷) ، لهستان، مجارستان و آلمان (۹۲۱ه.ق/۱۵۱۶م.)(مهدوی،۱۳۵۰ : ۲۷–۳۰؛ رویمر و دیگران، ۱۳۸۰: ۹۰) ارتباط برقرار کرد اما نتیجهٔ مطلوبی حاصل نشد.

با روی کار آمدن شاه‌طهماسب و تداوم اختلافات با دولت عثمانی طرح اتحاد علیه آن‌ها نیز تداوم یافت. ابتدا دولت‌های پرتغال و اسپانیول سفرایی روانهٔ دربار ایران کردند که طرح آن‌ها بی‌نتیجه ماند(مهدوی،۱۳۵۰ : ۴۰). اما در این زمان روابط دربار صفوی با روسیه به منظور اتحاد علیه عثمانی از نظر ارسال هدایا اهمیت بسزایی داشت. در واقع ارسال هدایا از جنس سلاح‌های گرم و پیشنهاد تزار

روس مبنی بر تهیهٔ سلاح‌های نظامی از دیگر کشورها (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۰۸) علاوه بر آگاهی او از درگیری ایران و عثمانی از چند منظر می‌توانست حائز اهمیت باشد. ۱. نشان دادن قدرت نظامی روسیه ۲. ارتباط روسیه با دولت‌های اروپایی ۳. آشنایی ایران با تاسیسات و سلاح‌های نظامی جدید در اروپا.

پس از شاه‌طهماسب سلطان محمد خدابنده نیز به منظور جلب متحد در سال۹۹۴ه.ق/ ۱۵۸۶ م. هدایایی را به همراه سفیری به‌نام هادی‌بیک روانهٔ دربار روسیه کرد. دربار ایران پیشنهاد کرد در صورت کمک‌رسانی روسیه دربند و باکو را به آن‌ها واگذار می‌کند. اما دربار روسیه به دلیل شورش در نواحی مختلف جواب مساعدی به سفیر ایران نداد. سپس زمانی که دربار روسیه برای مذاکره با صفویان اقدام کرد با مرگ سلطان محمدخدابنده، شاه‌عباس پادشاه ایران شده بود(نوائی، ۱۳۷۲: ۳۳۸/۱). سفیر روسیه که با هدایای گران‌بهایی به دربار ایران آمده بود در باب اتحاد علیه عثمانی شاه‌عباس را امیدوار کرد(نوائی، ۱۳۷۲: ۳۳۸/۱). به همین علت شاه‌عباس برای بهره‌گیری از مزایای آن مجدداً هادی‌بیک را به همراه بوداق‌بیک برای مذاکره به روسیه فرستاد. سفرا علی‌رغم مشکلاتی که عثمانی‌ها برای آن‌ها به وجود آوردند در نهایت توانستند با تزار روس ملاقات کنند(مهدوی، :۵۶؛ نوائی، ۱۳۷۲: ۳۳۹/۱) و هدایای شاه‌عباس را شامل: ۱. زین‌وبرگ کار ایران با روکش مخمل و پارچه‌های زربفت ابریشمی ۲. پارچه‌های زربفت ابریشمی و مخمل و نمد ایرانی ۳. کمان کار خراسان مرصع به یاقوت و فیروزه و لعل ۴. رکاب سیمین و گلابتون و زرین و برگ گلابتون و سیله‌دوزی (۵۲۶ منات) ۵. لگام و سایر لوازم اسب به بهای ۳۱ منات ۶. قالی‌های الوان ایرانی با تاروپود طلا و نقره به قیمت ۳۰ منات ۷. یک جفت لعل ۱۵ منات ۸. چادر و خرگاه کار ایران با پارچه‌های اطلس و تافته و ابریشم با گاو و سرطلانشان ۸۹۲ منات به تزار روسیه تقدیم کردند. هر چند که دربار ایران به منظور پیگیری طرح اتحاد هدایای ارزشمندی را ارسال کرد اما تزار روسیه نتیجهٔ مذاکرات را به بعد موکول کرد که در ادامه نیز هیچ‌گاه عملی نشد(نوائی، ۱۳۷۲: ۱۴۱/۱). در این زمینه گسترده‌ترین طرح اتحاد علیه عثمانی به دوران پادشاهی شاه‌عباس برمی‌گردد که توانست در این باب با بسیاری از کشورهای اروپایی مذاکره کند. اما در طی مذاکرات او منابع و متون تاریخی از نوع هدایای ارسالی او اطلاعی به دست نمی‌دهند و تنها به این مسئله اکتفاء می‌کنند که شاه‌عباس به همراه سفرای خود هدایایی ارسال کرد(شرلی، ۱۳۵۷: ۹۸؛ بیات، ۱۳۳۸: ۲۶۷).

شاه‌عباس هم‌چنین در سال ۱۰۰۰ه.ق توسط سفیری به‌نام کار هدایایی به دربار روسیه ارسال کرد اما به دلیل دروغگویی و شیادی، دربار روسیه از مذاکره با او امتناع کرد. سپس شاه‌عباس پیش از بازگشت او شخصی به‌نام خسروخان را با هدایایی شامل طاقه‌های مخمل، تصویر حضرت مریم عیسی در حال طفولیت و چندین تن از فرشتگان روانهٔ دربار روسیه کرد(نوائی، ۱۳۷۲: ۳۴۶/۱). هر چند سفارت خسروخان برای خرید زره و لوازم جنگی بود اما نوع هدایا مبنی بر تسامح مذهبی شاه‌عباس برای حضور مبلغان مذهبی روس در ایران می‌توانست آن‌ها را به اتحاد ترغیب کند. گاهی ارزش و قیمت هدایا در مناسبات دیپلماتیک در نتیجهٔ آن تاثیرگذار بود. به طوری که پیش از بازگشت خسروخان، شاه‌عباس سفیری به‌نام خواجه اسکندر را به دربار روسیه فرستاد که هدایای تقدیمی کم ارزش او عامل مهمی در بی‌نتیجه بودن مذاکرات بود (هدایای او قلمکار و مخمل و چند سپر و آیینهٔ مسی بودند) (نوائی، ۱۳۷۲: ۳۵۲/۱). سپس در طی مذاکرات بعدی نتیجه‌ای حاصل نشد و از ارسال هدایا خبری در دست نیست(نوائی، ۱۳۷۲: ۳۵۱/۲-۳۵۶).

اما فرستادن برادران شرلی از طرف شاه‌عباس به دربار پادشاهان اروپایی را می‌توان مهم‌ترین اقدام او در این زمینه قلمداد کرد. چنان‌که به پیشنهاد آنتونی شرلی به جای مذاکره با یک کشور واحد با دول اروپایی مختلف وارد مذاکره شد(شرلی،۱۳۵۷ : ۹۷؛ بیات،۱۳۳۸ : ۲۶۷). در ابتدا با انتخاب شرلی و حسین علی بیک بیات (۱۰۰۸ه.ق/۱۶۰۰م.)هدایایی به منظور تشکیل اتحادیه‌ای علیه عثمانی‌ها برای کشورهای مذاکره کننده در نظر گرفته شد(شرلی،۱۳۵۷ : ۹۸؛ بیات، ۱۳۳۸: ۲۶۷). که ۳۲ شتر آن‌ها را حمل می‌کردند(بیات، ۱۳۳۸:

۲۶۹). اما از آن‌جایی که از نوع و جنس آن‌ها اطلاعی در دست نیست نمی‌توان به طور قطع در رابطه با اهداف و انگیزه‌های شاه‌عباس اظهار نظر کرد. در نهایت در طی مذاکرات آنتونی شرلی در مسکو، آلمان و رم نتیجه‌ای حاصل نشد و فقط امپراطور رم هدایایی را برای تقدیم به شاه‌عباس ارسال کرد(۹۹۸ه.ق/۱۵۹۰م.)(شرلی، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰).اما به دنبال سفارت آنتونی شرلی، شاه رودلف دوم امپراطور اتریش سفیری به نام اتین کاکاش(۱۶۰۲) را نزد شاه عباس روانه کرد و قصد داشت تزار روس را نیز در این قضیه وارد کند. اما مرگ ناگهانی سفیر باعث شد جانشینش فن دریابل نامه امپراطور اتریش و تزار روس مبنی اتحاد علیه عثمانی را تقدیم کند. او در زمان درگیری با عثمانی ها در تبریز نزد شاه‌عباس شرفیاب و ارائه پیشنهاد او علیه عثمانی باعث شد شاه عباس مهدیقلی بیگ را به همراه هدایای به همراه او روانه کند(۱۰۱۲ه.ق / ۱۶۰۴م.) هر چند که دولت‌های مزبور به اتحاد علیه عثمانی مصمم بودند اما نتیجه‌ای حاصل نشد(فن‌دریابل،۱۳۵۱ : ۲۰-۲۲، ۴۶-۴۹، ۵۰-۵۱، ۵۳) هم‌چنین در طی دو سفارت(۱۰۲۳ه.ق/ ۱۶۱۵ م. و۱۰۱۶ه.ق/ ۱۶۰۸)رابرت شرلی به دربار کشورهای اروپایی نیز نتیجه‌ای حاصل نشد(شرلی،۱۳۵۷ : ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۴-۱۶۵، ۱۷۰-۱۷۱).. هر چند که عصر شاه‌عباس دوران نوینی از تلاش برای اتحادیه‌ای مشترک علیه عثمانی‌ها در یک گسترهٔ وسیع بود و سفرای زیادی به همین مناسبت در رفت‌وآمد بودند، اما گزارش منابع در این زمینه صرفاً مباحث سیاسی را در برمی‌گیرد و از نوع و جنس و سهم هدایا در این مذاکرات اطلاعی به دست نمی‌دهند.

پس از شاه‌عباس تا پایان دوران صفویه این رویه حالت معکوس به خود گرفت به طوری که هیچ اقدامی از سوی جانشینان او برای اتحاد علیه عثمانی صورت نگرفت، بلکه دولت‌های اروپایی در این راه پیش‌قدم شدند. عامل اصلی این قضیه را می‌توان در عهدنامهٔ ذهاب(خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۶۶، ۲۷۹)(۱۰۴۸ ه.ق/ ۱۶۳۸م.) بین ایران و عثمانی در زمان شاه صفی قلمداد کرد، که صفویان را از حملات دولت عثمانی به مرزهای ایران آسوده خاطر کرد. از این رو در زمان شاه‌عباس دوم روس‌ها در این امر پیش‌قدم شدند و با ارسال هدایایی شامل یک چلچراغ کریستال منقش، ۹ آیینهٔ کوچک کریستال با حاشیهٔ منقش، ۵ قطعه پوست سمور، ۱۲۰ زر ماهوت قرمز و سبز، ۲۰ بطری عرق مسکویی از شاه ایران درخواست کردند در اتحاد روسیه و لهستان علیه عثمانی شرکت کنند اما دربار ایران به علت صلح ذهاب جواب مساعدی به آن‌ها نداد(شاردن، ۱۳۷۴: ۱۶۵۵/۳).

در ادامه تلاش کشورهای اروپایی برای اتحاد علیه عثمانی در زمان شاه‌سلیمان به اوج خود رسید. در سال۱۰۴۶ه.ق/ ۱۶۳۷ م. پیمان ترک مخاصمهٔ آندروسویی بین لهستان و روسیه اتفاق جدیدی در جهت اقدام هماهنگ علیه عثمانی بود(متی، ۱۳۹۷: ۲۱). ابتدا لهستان سفیری به‌نام بوگدان گوزرسکی به دربار ایران فرستاد. او هدایایی شامل ۵ باز شتر، اسب، استر، گوزن، اسب‌هایی از طلا و نقره، پارچه‌های ابریشمی، ترکش با کمان، پوست‌های قیمتی، چکمه، کفش و چیزهای دیگر ۸ ظرف به شکل تفارد و دو قاطر با بار تقدیم کردند. اما در نهایت مذاکرات بی‌نتیجه بود(کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۶۱، ۲۷۱). و سفرای دیگر لهستان در مذاکرات بعدی خود نتیجه‌ای به دست نیاوردند(کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۷۴؛ متی، ۱۳۹۷: ۲۷).

اما روس‌ها نیز در سال۱۰۸۲ه.ق/ ۱۶۷۲ م. کریستوفر فروویچ را به همراه هدایایی شامل پوست‌های سمور سیبری ۲ آیینه و یک صندوق شیشه‌ای به اندازه و شکل یک تابوت کوچک ارسال کردند(کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۶۶، ۲۷۱؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۱۷۵). هر چند که روس‌ها تلاش زیادی برای اتحاد علیه عثمانی انجام دادند اما نتیجه‌ای حاصل نشد(متی، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۵). سوئد نیز با ارسال هدایایی هم‌چون ساعت، ۹ تفنگ شکاری کار ایتالیا، ۷ اسب با جلهای رنگارنگ در صدد اتحاد برآمد و به نظر می‌رسد با توجه به ضعف نظامی ایران در این دوره و هم‌چنین نیاز دربار به سلاح‌های گرم اقدام به ارسال چنین هدایایی کرده باشند(متی، ۱۳۹۷: ۱۹) اما کاری از پیش نبردند(متی، ۱۳۹۷: ۲۶۶، ۲۷۱). آلمان‌ها هم‌چنین سفیری بدون هدیه روانهٔ دربار ایران کردند که مذاکرات آن‌ها هم بی‌نتیجه

بود(سانسون، ۱۳۴۳: ۱۷۲–۱۷۳). هرچند که دولت صفوی و دربارهایی اروپایی در پی اتحاد علیه دشمن مشترک بودند و هدایای را ردوبدل کردند. اما مهم‌ترین عوامل موثر در عدم اتحاد علیه عثمانی‌ها را باید، صلح با عثمانی (صلح زهاب) ، عدم توانایی نظامی ایران(متی، ۱۳۹۷: ۱۷، ۱۹) نقش صدراعظم شیخ علی خان در این قضیه(متی، ۱۳۹۷: ۲۰) ، ترس از نفوذ اروپایی‌ها در منطقه(سانسون، ۱۳۴۳: ۱۷۵) و بعد مسافت ذکر کرد(سیوری، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

٤-۳-کارکرد هدایا در مناسبات صلح ایران و عثمانی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هدایا در مناسبات ایران و عثمانی استفاده از آن هنگام مذاکرات صلح و تحکیم مبانی آن بود. به این ترتیب که در بحبوحهٔ نبرد و درگیری زمانی که مذاکرات صلح آغاز می‌شد، طرفین نیز به همراه سفرا هدایای ارزشمندی برای پیشبرد مذاکرات ارسال می‌کردند. چنان‌که در سال ۹۶۱ ه.ق/۱۵۵۳م. پس از درگیری‌های مداوم بین شاه‌طهماسب و شاه‌سلیمان قانونی زمانی که مذاکرات صلح آغاز شد، شاه سلیمان، سنان پاشا را برای انجام این کار انتخاب کرد(قزوینی، ۱۳۴۳: ۳۰۷؛ شاه‌طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۲۸؛ بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۷۰۸) وسنان پاشا برای پیشبرد مذاکرات صلح هدایای ارزشمندی را برای تقدیم به شاه‌طهماسب انتخاب کرد(شاه‌طهماسب ۱۳۷۰: ۱۲۸).

به‌نظر می‌رسد ارسال هدایا در بحبوبهٔ مذاکره می‌توانست سهم زیادی در پیشبرد اهداف طرفین داشته باشد، به طوری که شاه‌طهماسب پس از گذرانیدن هدایا با پذیرایی از سنان پاشا دستور داد شاهوردی سلطان به همراه او با تجهیزات کامل روانهٔ عثمانی شود(شاه‌طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۲۸–۱۳۱). پس از آن نیز مذاکرات شاه‌طهماسب و شاه‌سلیمان قبل از صلح آماسیه با ارسال هدایا در جریان بود(قزوینی، ۱۳۴۳: ۳–۶؛ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۲۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۵–۸۶؛ قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۹۶–۱۹۷؛ قمی، ۱۳۸۳: ۴۰۴/۱؛ بوداق‌منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۹؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۸۰/۱–۸۱؛ روملو، ۱۳۵۷: ۵۳۲/۱) که در نهایت به صلح آماسیه منتهی شد و در پی آن به منظور تحکیم مبانی صلح سفرایی با هدایایی از سوی دربار عثمانی وارد ایران شدند. چنان‌که در سال ۹۷۰ه.ق الیاس بیک هدایایی شامل ۱۴۰ اسب با جل‌های زربفت و مخمل و زرین مرصع و ۱۵۰ اشرافی معادل ۳۰ هزار تومان و بسیاری از تنسوخات روم، فرنگ، مصر و یمن به دربار ایران تقدیم کرد(شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۲۰–۱۲۱؛ قزوینی، ۱۳۴۳: ۳۰۸؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۱/ ؛ بوداق‌منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۹؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۸؛ جنابذی، ۱۳۷۸: ۵۲۵).

این روند و به کارگیری هدایا در مذاکرات صلح و تحکیم مبانی آن در زمان جانشینان شاه‌طهماسب نیز ادامه پیدا کرد(ترکمان، ۱۳۵۰: ۳۴۵/۱–۳۴۶، ۴۱۰، ۴۳۹؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۱۸–۶۲۵، ۶۳۵، ۷۹۵–۷۹۶؛ خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۴). اما در روابط ایران و عثمانی آن‌چه نقش هدایا را در مذاکرات صلح پررنگ می‌کرد، پیش‌قدم شدن در مذاکرات و نوع نگاه طرفین به ارسال هدایا بود. اگرچه ارسال هدایا در بحبوحهٔ جنگ می‌توانست در توافق طرفین برای صلح سهم به سزایی داشته باشد، اما به‌نظر می‌رسد پیش‌قدم شدن برای صلح با ارسال هدایا از سوی سلاطین و فرماندهانی که در موضع ضعف بودند به نوعی بر شکست و تنزل قدرت آن‌ها تعبیر می‌شد. به گونه‌ای که در حوادث سال ۱۰۱۹ ه.ق/ ۱۶۱۰م. و در طی درگیری بین شاه‌عباس با مرادپاشا به وضوح شاهد این قضایا هستیم. در این سال زمانی که شاه‌عباس نیروهای مرادپاشا را شکست داد سردار عثمانی برای مذاکرات صلح پیش‌قدم شد و یکی از معتبران خود را برای مذاکره نزد شاه‌عباس روانه کرد(حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۹۸؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۲/ ۸۲۱؛ جنابذی، ۱۳۷۸: ۸۴۵–۸۴۶) اما هیچ هدیه‌ای ارسال نکرد. در مقابل شاه‌عباس با فراست عدم ارسال هدایا توسط مرادپاشا در زمان جنگ را امری منطقی قلمداد کرد(حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۹۸). به نظر می‌رسد سردار عثمانی ارسال هدایا و ارائهٔ تقاضای صلح را نوعی ضعف قلمداد کرده باشد. به طوری که شاه‌عباس با آگاهی به این قضیه و هم‌چنین منطقی جلوه دادن تقاضای او (و عدم ارسال هدایا)، به منظور پایان دادن به مخاصمات در ارسال هدایا پیش‌دستی کرد(ترکمان، ۱۳۵۰: ۲/ ۸۲۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۹۹) تا از این طریق نظر سردار عثمانی را برای صلح جلب کند. به این ترتیب که شاه‌عباس برای جلوگیری از احساس حقارت از جانب مرادپاشا مذاکرات را برای صلح و پایان دادن به جنگ ادامه داد(حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷).

اما یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ارسال هدایا مبنی بر تحکیم مبانی صلح، زمانی بود که شاه جدیدی بر تخت سلطنت جلوس می‌کرد. در همین راستا به سال ۹۷۴ ه.ق/۱۵۶۶م. پس از مرگ سلیمان جانشین او سلیم دوم به منظور خبر جلوس خود و تحکیم مبانی صلح محمدبیگ چاوش‌باشی را به دربار ایران فرستاد(بوداق‌منشی، ۱۳۷۸: ۲۳۱) و در مقابل شاه‌طهماسب، شاه‌قلی‌خان را با هدایای نفیسی به دربار عثمانی فرستاد(واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۵۵؛ بوداق‌منشی، ۱۳۷۸: ۲۳۰-۲۳۱؛ قمی، ۱۳۸۳: ۵۴۵/۱). در ادامه نیز سلطان عثمانی سلیم محمدپاشا را با تحفه‌ها و نفایس لایقی به دربار ایران فرستاد و شاه‌طهماسب در جواب آن سلطان علی تاتی‌اوغلی را به دربار عثمانی روانه کرد(شاه‌طهماسب ۱۳۷۰: ۳۸۸-۳۸۹). در ادامه با مرگ سلطان سلیم و روی کار آمدن مراد، شاه‌طهماسب محمدبیگ تمخاق را با هدایایی برای تبریک جلوس او روانه کرد(قمی، ۱۳۸۳، ۱/ ۵۸۹-۵۹۱) و حسین بیگ یوزی‌باشی را برای تهنیت و تعزیت فرستاد(واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۸۸).

٤-٤-کارکرد هدایا در تهدید دشمن

شاهان صفوی در روابط خود با دول همسایه به‌ویژه در زمان اختلاف و دشمنی از ارسال هدایا برای تهدید و قدرت‌نمایی استفاده می‌کردند. در این دوره یکی از جنبه‌های تهدید از طریق ارسال هدایا، تأمل و زیرکی در گزینش و انتخاب نوع آن بود.. یکی از این شیوه‌ها ، ارسال هدایا از جنس سر و متعلقات دشمنانی بود که در مقابل شاهان صفوی شکست خورده بودند. به طوری‌که شاه اسماعیل پس از شکست شاهی بیک هدایایی شامل بازوبندهای شاهی بیگ مرصع به الماس و یاقوت ، سر شاهی بیگ پر از کاه، درجی پر از لعل های درخشان را نزد بایزید دوم عثمانی ارسال کرد ۹۱۶ه.ق/۱۵۱۰م. (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۳۲۹). هم‌چنین شاه‌اسماعیل پس از شکست ابوالخیرخان با آگاهی از تحریکات سلیم در دیاربکر تصمیم به سرکوب آن‌ها گرفت. اما پس از مشاوره با مقامات درباری تصمیم بر ارسال هدایایی مبنی بر تهدید عثمانی‌ها گرفته شد. سپس با انتخاب سلیمان خان یساول باشی(۹۱۸ه.ق/۱۵۱۲م.) هدایایی شامل اموال ابوالخیرخان، پرچم و علم چنگیزخان و غرغرهٔ پرخون ابوالخیرخان مرصع به جواهر الوان را به همراه نامه‌ای برای بایزید ارسال کرد و در طی آن علیه تحرکات آن‌ها تهدیدهایی کرده بود(عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۴۵۵-۴۵۷).

به طور کلی روابط ایران و عثمانی در دورهٔ صفویه از زمان شاه‌اسماعیل تا روی کار آمدن شاه‌عباس به گونه‌ای بود که طرفین در فرصت‌های مقتضی با ارسال هدایا در مقابل یکدیگر قدرت‌نمایی می‌کردند. چنان‌که در زمان محمدخدابنده و در گیرودار جنگ با عثمانی زمانی که مصطفی پاشا برخلاف قرارداد آماسیه به تعمیر قلعهٔ قارص پرداخت، حاجی‌مقصودبیگ ذوالقدر را با چند صندوق میوه نزد پاشای عثمانی فرستاد و او را تهدید کرد. در مقابل این اقدام سردار روم اسرای ایرانی را گردن زد و ۴ صندوق فشنگ و چند گلوله توپ را به عنوان هدیه به سفیر تقدیم کرد و اعلام کرد: « در اردوی من جز این هدیه‌ای برای شاه ایران پیدا نمی‌شود»(مهدوی، ۱۳۵۰: ۴۶-۴۷). پس از سلطان محمدخدابنده در زمان شاه‌عباس این شیوه نیز در پیش گرفته شد. به‌طوری‌که او در فرصت‌های مناسب سعی داشت پیشرفت‌های نظامی خود و دولت صفوی را با ارسال هدایایی نمادین به دولت عثمانی گوشزد کند، و به نوعی با تهدید و ارعاب، آن‌ها را از دست اندازی به مرزهای ایران برحذر دارد. در همین راستا شاه‌عباس پس از آن‌که ازبکان را در رباط‌پریان شکست داد(ترکمان، ۱۳۵۰: ۲/ ۵۷۴-۵۷۱) تصمیم داشت پیروزی خود را به عثمانی‌ها یادآور شود. از این رو در دورهٔ زمامداری محمد سوم(۱۰۰۳-۱۰۱۱ه.ق/ ۱۶۰۳-۱۵۹۵م.) سفیری به‌نام قره‌خان را در سال۱۰۰۴ه.ق/ ۱۵۹۶ م. به دربار عثمانی روانه کرد و به منظور تهدید عثمانی‌ها و قدرت‌نمایی در مقابل آن‌ها کلیدهای طلایی و نقره‌ای ۲۴ شهری که در خراسان، ترکستان و افغانستان فتح کرده بود برای سلطان عثمانی فرستاد(مهدوی، ۱۳۵۰: ۷۳).

٥-٤-کارکرد هدایا در نمایش اقتدار در برابر عثمانی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هدایا در عصر صفوی استفاده از آن به منظور نمایش اقتدار، قدرت و عظمت شاه بود. در این دوره ارتباط گسترده با دول خارجی عامل مهمی در استفاده از هدایای تقدیمی برای نمایش عظمت و شوکت شاه در مقابل سفرای دشمنان خارجی و حکام دست‌نشانده بود. از این رو یکی از عوامل موثری که باعث می‌شد شاهان صفوی از هدایای ارسالی در این زمینه بهره گیرند درگیری و اختلافات آن‌ها با دشمنان به‌ویژه عثمانی‌ها در غرب بود. در این دوره از زمان سلطنت شاه‌اسماعیل تا پایان حکومت شاه‌صفی درگیری و اختلاف با دولت عثمانی تداوم داشت. به همین علت شاهان صفوی به منظور صف‌آرایی و پایان دادن به سلطهٔ عثمانی‌ها اقداماتی از جمله تلاش برای تشکیل اتحادیه‌ای علیه آن‌ها انجام دادند که نتیجه‌ای در بر نداشت. علاوه بر این اقدامات شاهان صفوی گاهی برای نمایش اقتدار خود در مقابل سفرای عثمانی از سفرا و هدایای تقدیمی سایر دول بهره می‌گرفتند. چنان‌که شاه‌عباس پس از درگیری‌های مداوم و مذاکرات بی‌نتیجه با عثمانی‌ها از این شیوه استفاده کرد. به عنوان نمونه زمانی که فیگوئروا از طرف دولت اسپانیا با هدایایی ارزشمند برای مذاکره با شاه‌عباس به ایران آمده بود، سفیر عثمانی نیز به واسطهٔ جنگ‌های طولانی و عدم نتیجه از مذاکرات قبلی (۱۰۲۶/۱۶۱۷) در ایران حضور داشت. اما شاه‌عباس سفیر اسپانیا و عثمانی را همزمان بار داد. پس از آن شاه عباس در حالی که یکی از تفنگ‌های هدیهٔ پادشاه اسپانیا را در دست داشت وارد مجلس شد و از چگونگی طرز کار و استفادهٔ آن از سفیر اسپانیا سوالاتی پرسید. پس از این اقدام شاه‌عباس در مقابل سفیر عثمانی اعلام کرد که حاضر نیست مناطق فتح شده را به دولت عثمانی واگذار کند(فیگوئروآ، ۱۳۶۳: ۲۶۷). به‌نظر می‌رسد، شاه‌عباس از باریابی همزمان سفیر اسپانیا و عثمانی چند هدف را دنبال می‌کرد: ۱. نمایش ارتباط گستردهٔ دربار صفوی با کشورهای اروپایی و در عین حال تشکیل اتحادیه‌ای علیه عثمانی‌ها ۲. در ورود او به مجلس هدیه‌ای از نوع سلاح‌های مدرن اروپایی می‌توانست بیانگر این نکته باشد که از طریق دولت‌های متحد قادر به تهیهٔ جدیدترین سلاح‌ها برای مقابله با دشمن است. در واقع شاه‌عباس در این مذاکرات ظاهراً قصد داشت موجبات شادی سفیر عثمانی را فراهم کند اما بنابر گزارش فیگوئروا او در حقیقت قصد داشت حسادت سفیر عثمانی را تحریک کند، و به او نشان دهد که پادشاه اسپانیا چنان خواهان دوستی و اتحاد با اوست که هدایایی ارزشمندی با تشریفات باشکوهی از جلوی او گذرانیده است. به همین دلیل روز باریابی سفیر عثمانی و سفیر اسپانیا را به عمد در یک روز تعیین کرد(فیگوئروآ، ۱۳۶۳: ۲۷۰-۲۷۱).

٤-٦-کارکرد هدایا در تحقیر دشمن

در عصر صفوی هدایا در مناسبات دیپلماتیک به ویژه در زمان جنگ دشمنی و درگیری کارکردهای متفاوتی داشتند و از سوی سلاطین برای مقاصد گوناگونی به کار گرفته می‌شدند. در این دوره یکی از مهم‌ترین کارکردهای استفاده از هدایا در مناسبات دیپلماتیک به ویژه هنگام جنگ و دشمنی به کارگیری آن در جهت توهین و تحقیر بود. به این ترتیب که با آغاز اختلاف و درگیری (و حتی پس از آن) سلاطین با یادآور شدن پیشینهٔ نیاکان یکدیگر سعی داشتند از طریق توهین و تحقیر و به نوعی در یک جنگ روانی یکدیگر را تخریب کنند. این شیوه در ابتدای شکل‌گیری حکومت صفویه در زمان شاه‌اسماعیل و هنگام مقابله با عثمانی‌ها به کار گرفته شد. در سال ۹۲۰ه.ق /۱۵۱۴م. درگیری‌های مرزی بین صفویان و عثمانی‌ها بر شدت اختلافات بین آن‌ها افزود و آن‌ها را در مقابل یکدیگر قرار داد. چنان‌که پس از آن با لشکرکشی سلطان سلیم به چالدران شکست سختی بر سپاه شاه‌اسماعیل صفوی وارد شد. اما آن‌چه در این بین اهمیت به‌سزایی داشت اقدامات شاه‌اسماعیل مبنی بر تحقیر سلطان‌سلیم و کمرنگ کردن شکست در مقابل او با ارسال هدایا بود. به این ترتیب که شاه‌اسماعیل پس از شکست در مقابل سلطان‌سلیم به دنبال یافتن متحدانی برای مقابله با او هدایایی شامل دبوسی(نوعی گرز) از یک پارچهٔ زرین و زین‌وبرگ و شمشیری مرصع با نامه‌ای به این مضمون برای او ارسال کرد که: « اسماعیل پادشاه بزرگ ایران این هدایا را برای تو ای سلیم می‌فرستد که مناسب با شان و مقام توست زیرا که این هدایا به ملک تو می‌ارزد اگر تو مردی دلیری آن‌ها را خوب نگهدار زیرا من می‌آیم و آن را از تو می‌ستانم و سر و سلطنت که غصب کرده‌ای بر باد می‌دهم چه شایسته نیست

روستازادگان بر آن همه ولایت فرمانروا باشند»(زنو، ۱۳۸۱: ۲۸۰–۲۸۱) این اقدام از سوی شاه‌اسماعیل خشم سلطان‌سلیم را برانگیخت چنان‌که قصد داشت سفیر او را در دم به قتل برساند اما پاشاها مانع از این کار شدند. در نهایت سلیم گوش و بینی سفیر را برید و با نامه‌ای به این مضمون روانه‌ی دربار صفوی کرد: « سلیم بی‌آنکه به اواو سگ اعتنا کند پاسخ او را چنین می‌دهد که اگر او قدم بدین دیار نهد با او همان معامله خواهد شد که سلف من محمد با سلف او اوزون‌حسن کرد»(زنو، ۱۳۸۱: ۲۸۰–۲۸۱).

٤-۷-کارکرد هدایا در آشنایی با صنایع جدید نظامی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هدایا در عصر صفوی آشنایی با علوم، صنایع، اختراعات و تحولات جدید در اروپا بود. یکی از مهم‌ترین صنایع جدیدی که صفویان از طریق دریافت هدایا با آن آشنا شدند صنایع نظامی جدید در حوزۀ توپ، تفنگ و سلاح های جنگی بود. به نظر می رسد علت اصلی ارسال این نوع هدایا به دربار صفوی عدم آشنایی و استفاده از آن‌ها بود(فلور،۱۳۸۷ : ۱۷۱، ۱۷۷–۱۷۹، ۱۸۵–۱۸۳)؛ در این دوره سیاحان اروپایی با حضور در ایران گزارش‌هایی راجع به آلات و ادوات سپاه صفوی و عدم آشنایی آن‌ها با سلاح‌های جنگی مدرن اروپایی ارائه داده‌اند(بازرگان گمنام ونیزی، ۱۳۸۱: ۳۹۱–۳۹۲، ۴۷۵؛ دالساندری، ۱۳۸۱: ۴۷۷؛ فیگوئروآ، ۱۳۶۳: ۲۲۵؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۸۲، ۲۷۸؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۱۴۳–۱۴۴؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۹۰؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱۵۰۶/۴) که این امر ارسال هدایای نظامی توسط دولت‌های خارجی را برای رسیدن به مقاصدشان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی توجیه می‌کند. در واقع بنا بر گزارش‌های سیاحان اروپایی از وضع نظام صفویان می‌توان اذعان کرد که دول اروپایی با آگاهی از این مسئله به دلایل مختلف برای رسیدن به مقاصد خود هدایایی از جنس سلاح‌های نظامی را به دربار صفوی تقدیم می‌کردند و از این طریق باب آشنایی صفویان با تجهیزات جدید نظامی را فراهم می‌کردند.

تشکیل اتحادیه علیه عثمانی‌ها و رفت‌وآمد سفرا بین دربار صفوی و کشورهای اروپایی عامل دیگری در ارسال سلاح‌های جنگی جدید و مدرن به دربار صفوی بود. در همین راستا تزار روس، ایوان مخوف برای بررسی امکان اقدام نظامی مشترک علیه عثمانی در سال ۹۷۶ ه.ق/۱۵۶۹ م. دولمت کارپیوویچ را به همراه هدایایی شامل ۳۰۰ توپ در اندازه‌های مختلف و ۴ هزار تفنگ روانۀ دربار ایران کرد. هم‌چنین ۵۰۰ تیرانداز ماهر را برای تعلیم سپاه ایران ارسال کرد و اعلام کرد در صورت پذیرش هدایا توسط شاه می‌تواند سلاح‌های بیشتری از طریق خریداری از آلمان برای شاه ایران بفرستد(سیوری، ۱۳۸۹: ۱۰۸). هم‌چنین در این سال زمانی که عثمانی‌ها، روس‌ها را در آستاراخان تهدید کردند تزار روس برای اتحاد سفیری به‌نام اولکسی کوزنیکو را به همراه ۱۰۰ توپ جنگی و ۵۰۰ سلاح گرم فرستاد(لاسیکووا،۱۳۹۷ : ۱۳۰). در زمان سلطان محمد خدابنده نیز(۹۸۷ه.ق/۱۵۷۹م.)پاپ گریگوار سیزدهم به منظور اتحاد علیه عثمانی پیشنهاداتی به دربار ایران مطرح کرد، که برای تشکیل اتحادیه علیه عثمانی سالانه علاوه بر ۱۰۰ هزار سکۀ طلا حاضر بود ۵ تا ۶ هزار قبضه تفنگ و ۱۵ تا ۲۰ عراده توپ به دربار صفوی ارسال کند(نوائی، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۰۳–۲۰۴). هم‌چنین در زمان شاه‌عباس سفیر دربار اسپانیا با آگاهی از ضعف نظامی ایران و درگیری‌های مداوم با عثمانی‌ها برای رسیدن به مقاصد خود با تقدیم هدایایی شامل ۵۰ زنبورک، چند تفنگ کوتاه، ۴ تفنگ فتیله‌ای کار سیلان و ۱ زنبورک ساخت سیلان(فیگوئروآ، ۱۳۶۳: ۲۶۳) پیشنهاداتی مبنی بر اتحاد علیه عثمانی را به دربار ایران داد(فیگوئروآ، ۱۳۶۳: ۲۶۴) تا از این طریق به اهداف مورد نظر خود برسد.

٤-۸-کارکرد هدایا در مسائل و اختلافات مذهبی

در عصر صفوی به دلیل اختلافات مذهبی با دولت عثمانی گاهی رد و بدل شدن هدایا رنگ و بوی مذهب به خود می‌گرفت. از این رو که پادشاهان صفوی و سلاطین عثمانی در شرایط مختلف سعی داشتند با ارسال هدایا و گوش‌زد کردن مسائل مذهبی بر حق بودن خود را به طرف مقابل یادآوری کنند. این رویه در ابتدای شکل‌گیری حکومت صفوی و اوج اختلاف مذهبی با دولت عثمانی مشهود است. به‌عنوان نمونه زمانی که بایزید عثمانی هدایایی را به منظور تبریک فتوحات شاه اسماعیل روانهٔ دربار صفوی کرد به مسائل و اختلافات مذهبی اشاره کرد. او:« محمد چاوش بالابان سفیر بایزید دوم پادشاه عثمانی با تحف و هدایائی به تبریز آمده فتح عراق و اصفهان و فارس را به شاه اسماعیل تهنیت گفته و طی نامه مفصلی او را نصیحت کرد که از ظلم و ستم به پیروان مذهب تسنن دست بردارد و از روی تعصب، خون بی گناهان را نریزد، شاه اسماعیل نیز با سلطان عثمانی اظهار دوستی کرده و سفیر او را با نامه دوستانه و هدایای شایسته برگردانید. (کیانفر، ۱۳۸۳: ۴۲) . از سوی دیگر ارسال کتب نفیس را می‌توان در همین راستا قلمداد کرد که به‌نظر می‌رسد کتاب‌های مذهبی در زمرهٔ کتاب‌های ارسالی بوده‌اند. به عنوان نمونه زمانی که در ۹۶۶ه.ق شاهزاده بایزید عثمانی به دربار صفوی پناهنده شد، شاه طهماسب هدایایی به او تقدیم کرد که یک فقره از هدایای تقدیمی کتب نفیس و ارزشمند بودند(ترکمان،۱۳۵۰ : ۱۰۲/۱). هم‌چنین در سال ۹۸۴ه.ق سلطان مراد عثمانی چند کتاب نفیس را به همراه هدایایی برای شاه طهماسب فرستاد(روملو،1357 : ۱/ ۶۲۹).

۵-هدایا و حمل آن‌ها

یکی از مهم‌ترین مسائل پیرامون تقدیم هدایا چگونگی عبور و گذرانیدن آن‌ها در مقابل شاه بود. در دوره‌ی صفویه به دلیل این‌که تقدیم و دریافت هدایا با جلال و شکوه خاصی انجام می‌شد نحوه‌ی گذرانیدن آن‌ها در حضور شاه از اهمیت خاصی برخوردار بود. چرا که در زمان تقدیم هدایا جمعیت زیادی به همراه سفرای کشورهای خارجی حضور پیدا می‌کردند. از این رو برای این کار تمهیدات خاصی تدارک دیده می‌شد. ترتیب انتقال هدایا به محل مورد نظر به این شکل بود که؛ ابتدا پیشکش‌چی‌باشی به‌عنوان مسئول تحویل گرفتن هدایا شخصی را برای آگاه کردن فرمانبردار کل پایتخت روانه می‌کرد، که فلان جا و فلان روز می‌بایست تعدادی نفر برای حمل هدایا آماده کند. پس از آن فرماندار کل دستور پیشکش‌نویس را به کلانتر منطقه اعلام می‌کرد و اجرای این کار را به او می‌سپرد. کلانتر به نوبه‌ی خود کدخداهای منطقه را احضار و دستورات و سفارشات لازم را برای انجام کار به آن‌ها می‌داد. کلانترها برای اجرای این کار از هر کوی و برزن یک نفر را به کار می‌گرفتند و هر کدام را به همراه یکی از افراد پیشکش‌نویس برای تحویل و انتقال هدایا به خانه‌ی هر یک از سفرا روانه می‌کردند(شاردن، ۱۳۷۴: ۶۳۵/۲).

معمولاً انتقال هدایا به این صورت بود که آن‌چه را یک نفر می‌توانست حمل کند، به ۵۰ نفر واگذار می‌کردند (اقتدارگرایی) تا هم شمار هدایای سفیر زیاد جلوه‌گر کند و هم شکوه پادشاه در انظار فرودستان بیشتر نمایان شود(دلاواله،۱۳۷۰ : ۲۴۸؛ فیگوئروا، : ۲۶۲). حتی به منظور بیشتر شدن جلوه و شکوه هدایا تمام هدایای ریز و کوچک را روی هم جمع می‌کردند تا از این طریق هدایا را در چشم مردم باشکوه جلوه دهند(فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۶۲). به‌طوری‌که این هدایا معمولاً تا بامداد روز بعد در اختیار حاملان آن‌ها قرار داشت و این کار گاهاً ۸ تا ۱۰ روز به طول می‌انجامید(شاردن، ۱۳۷۴: ۶۳۵/۲). اما در طی این مدت هدایایی که تحویل ۵۰۰ یا ۶۰۰ نفر بود(شاردن، ۱۳۷۴: ۶۳۵/۲؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۴۹) هرگز مخلوط یا مفقود نمی‌شدند. چرا که حاملان هدایا تا پای جان از آن‌ها مراقبت می‌کردند و از طرفی هیچ‌کس جرات دست‌اندازی به اموال شاه را نداشت، به این دلیل که ارتکاب به این کار را گناهی عظیم می‌دانستند و این ضرب‌المثل بین مردم رایج بود که: « دریا نیز آن‌چه را از شاه می‌رباید به وی باز پس می‌دهد»(شاردن، ۱۳۷۴: ۶۳۵/۲-۶۳۶).

در واقع حمل هدایا هنگام شرفیابی با تشریفات خاصی انجام می‌شد، به گونه‌ای که میل و رضایت سفرا تاثیری در چگونگی ارائه‌ی هدایا نداشت. به این ترتیب که از طرف مقامات درباری به تقاضا و پیشنهادهای سفرا مبنی بر چگونگی ارائه‌ی هدایا اعتنایی نمی‌شد و در نهایت بر اساس تشریفات درباری هدایا را از نظر شاه می گذرانیدند. به همین دلیل زمانی که فیگوئروا برای شرفیابی نزد شاه‌عباس مهیا شد، رئیس بیوتات سلطنتی نزد او رفت و اطلاعات جامعی راجع به هدایای ارسالی پادشاه اسپانیا به دست آورد. سپس زمانی که سفیر تقاضا کرد به منظور سرگردانی از چگونگی ارائه‌ی هدایا آن‌ها را تحویل بگیرند پیشنهاد او رد شد، و در ادامه به او تذکر داده شد که بنا به رسم، اشیاء مزبور در روز باریابی پیشاپیش سفیر حرکت داده می‌شوند و هیچ‌گونه تضمینی دائر بر محفوظ ماندن هدایا تا روز باریابی به سفرا داده نمی‌شود(فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۶۱-۳۶۳). پس از انجام این تمهیدات از سوی دربار، حاملان هدایا در مسیر محل و خیابانی که سفرا برای شرفیابی از آن می‌گذشتند می‌ایستادند تا سفیر به حضور شاه برسد(فیگوئروا،۱۳۶۳ : ۳۶۳). در واقع مستخدمین حمل هدایا جلوتر از سفرا حرکت می‌کردند و به طور منظم به مسیر خود ادامه می‌دادند، هر چند در مواقعی این نظم به هم می-خورد(اولئاریوس،۱۳۶۹ : ۵۴۹/۲).

به دنبال آن‌ها مقامات مهم سفارت با ترتیبات خاصی حرکت می‌کردند سپس به منظور حفظ هدایا در راه حرکت به سمت قصر سلطنتی تمهیدات خاصی دیده می‌شد. اولئاریوس هنگام شرفیابی سفرای هلشتاین گزارش می‌دهد: « ... همراه هدایا ۳ گروهبان با تفنگ‌های کوتاه بر دوش ۱۵ نفر تفنگ‌دار با اونیفرم قرمزرنگ در صف‌های ۳ نفری، فرمانده نیروهای سفارت و مارشال مستخدمین و پیش‌خدمت‌ها در صف‌های ۳ نفری، ۳ نفر شیپورچی با شیپورهای نقره‌ای ۸ نفر سرباز محافظ مخصوص سفیران در صف‌های ۲ نفری ...» (اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۵۴۹/۲).. در نهایت پس از حمل هدایا، با ورود به قصر و هنگام گذرانیدن آن‌ها از نظر پادشاه دربار نیز به‌شیوه‌ی خاص خود عمل می‌کرد. به گونه ای که یکی از روسای یساولان مراقب بود تا حاملان هدایا آهسته حرکت کنند به این علت که پادشاه در مدخل تالار بتواند هدایا را با دقت نگاه کند. این تماشا از فاصله‌ی ۱۰۰ قدمی به صورت سطحی و سرسری انجام می‌شد به همین علت پس از اتمام کار سفرا و مراسم، شاه دوباره هدایا را مورد بررسی قرار می‌داد(کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۷۰).

در طی این مراسم نیز ناظر و روسای بیوتات موظف بودند همه چیز را به دقت تقدیم کنند زیرا در مورد تمام هدایایی که به دربار می‌رسید ۲ برابر قیمت آن‌ها برای اعطای هدایای متقابل تعیین می‌شد(کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۷۰). گاهی پس از باریابی تماشای هدایا ساعت‌ها طول می‌کشید. به طوری که شاه پس از باریابی فیگوئروا او را با همراهان و چند نفر دیگر به جشنی دعوت می‌کرد و در همان حال حاملان هدایا در محل پذیرائی صف‌های طویلی را تشکیل داده بودند تا بر شکوه کار بیفزایند(فیگوئروا،۱۳۶۳ : ۲۶۹). به طور کلی گذرانیدن هدایا از نظر شاه با ترتیبات خاصی انجام می‌شد و مقامات درباری در اجرای آن نقش داشتند. این کار از سوی مقامات به صورت سلسله‌مراتبی انجام می‌شد به این ترتیب که مقامات بالادستی به مقامات پایین‌دستی دستور می‌دادند کارهای لازم را برای حمل هدایا در روز شرفیابی سفرا انجام دهند.

۶-نتیجه

در عصر صفوی رد و بدل کردن هدایا در مناسبات با دولت عثمانی اهمیت ویژه‌ای از منظر سیاسی و نظامی داشت. آغاز ارتباطات ایران و عثمانی با روی کار آمدن شاه‌اسماعیل اول با ارسال هدایا توام بود. ارسال هدایا از این زمان تا پایان حکومت صفوی بین دو دولت برقرار بود اما ارسال هدایا با توجه به روابط خصمانه ایران و عثمانی جایگاه ویژه‌ای در نیل به مقاصد و متقاعد کردن دولت مقابل داشت. در واقع سیاست ارسال هدایا متقابلاً از سوی صفویان و عثمانی‌ها به کار گرفته شد و آن‌چه در این بین اهمیت داشت انتخاب نوع و زمان ارسال هدایا در شرایط متفاوت بود.

به این صورت که هر یک از سلاطین صفوی و عثمانی سعی داشتند در پس ارسال هدایا قصد خود را بیان کنند. از این رو در ابتدای شکل‌گیری حکومت صفوی و آغاز درگیری‌های مداوم با عثمانی‌ها اهمیت ارسال انواع هدایا فزونی یافت. حفظ تمامیت ارضی در مقابل دشمنان خارجی علاوه بر جنگ و درگیری از طریق سیاست ارسال هدایا نیز امکان‌پذیر بود. به طوری که با ارسال هدایایی خاص به دربار عثمانی سعی در تهدید و عملی کردن خواسته‌های خود داشتند. هم‌چنین در مواقعی با رونمایی از هدایای مدرن که از سوی متحدان اروپایی به آن‌ها تقدیم می‌شد قدرت خود را به سفرای دولت عثمانی می‌نمایاندند. از طرفی پیگیری و انجام روند مذاکراتی که برای صلح انجام می‌شد با ارسال هدایا تکمیل می‌شد به گونه‌ای که هر اقدامی که برای انجام صلح از سوی دربار صفوی و عثمانی صورت می‌گرفت توامان با فرستادن سفرا هدایای تقدیمی به دربار جزء لاینفک مذاکرات بود. هر چند در مواقعی پیش‌قدم شدن در ارسال هدایا کار را سخت می‌کرد اما در نهایت موثر واقع می‌شد. جنبه‌ی دیگری از ارسال هدایا، به راه انداختن نوعی جنگ روانی به منظور تخریب و تحقیر طرف مقابل بود و حتی از این طریق ضعف و عدم توانایی نظامی پوشش داده می‌شد. از این شیوه به‌ویژه برای دفع خطر بالقوه به طور اخص پناهندگان مدعی قدرت استفاده می‌شد. اهمیت این موضوع به گونه‌ای بود که در هنگام شعله‌ور بودن آتش اختلافات به منظور مرتفع کردن تهدید پناهندگان سیاسی هدایای ارزشمندی فرستاده و یا تقاضا می‌شد. استفاده از هدایا علاوه بر این‌که به طور مستقیم در تعاملات ایران و عثمانی مورد استفاده قرار می‌گرفت به منظور دفع خطر آن‌ها به طور غیر مستقیم در مناسبات صفویان با دولت‌های اروپایی به کار گرفته شد. این رویه از زمان شاه‌اسماعیل تا پایان حکومت صفوی ادامه داشت و در مواقعی علی‌رغم ارسال هدایایی مطابق با میل و خواسته‌های طرفین نتیجه‌ای در بر نداشت. در واقع باید اذعان کرد در شرایط متفاوت ارسال هدایا در مناسبات صفویان با دولت عثمانی متنوع و متغیر بود چرا که هر یک از پادشاهان صفوی و سلاطین عثمانی برای در پس هدایای ارسالی هدفی را دنبال می‌کردند و سعی می‌کردند از این طریق خواسته‌های خود را به طرف مقابل القا کنند. از این رو رد وبدل شدن هدایا در مناسبات صفویان با دولت عثمانی سهم زیادی در نوع برخورد آن‌ها با یکدیگر در شرایطی هم‌چون تداوم جنگ، صلح، دفع خطر مدعیان و پناهنده‌گان و اتحاد علیه دشمن مشترک داشت.

منابع

احمدی، نزهت و زهرا زارعیان جهرمی(۱۳۹۰)، «پیشکش و نقش آن در روابط ایران با کمپانی‌های هند شرقی در دوران صفوی»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال دوم، شماره ۷، صص ۵۸-۲۵.

اولئاریوس، آدام(۱۳۶۹)، سفرنامه آدام اولئاریوس، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: کتاب برای همه.

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم(۱۳۷۸)، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: صفی علیشاه.

بیات، اوروج بیک(۱۳۳۸)، دون ژوان ایرانی، ترجمهٔ مسعود رجب نیا، با حواشی و یادداشت‌هایی از لسترنج، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

تاورنیه، ژان باتیست( )، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، باتجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، تهران: سنایی.

تاورنیه، ژان باتیست(۱۳۹۹)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، باتجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، تهران: سنایی.

ترکمان، اسکندربیک(۱۳۵۰)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، زیر نظر با تنظیم فهرست‌ها و مقدمه ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

تنرو، آنتونیو(۱۳۹۷)، سه سفرنامه: رابی بنیامین تطیلی، آنتونیو تنرو، میگله ممبره، مترجم حسن جوادی و ویلم فلور، تهران: بی‌نا.

جنابدی، میرزابیگ(۱۳۷۸)، روضه‌الصفویه، به‌کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات

جهانگشای خاقان(تاریخ شاه‌اسماعیل ۱۴۰۶ه.ق-۱۳۶۴ه.ش)، مقدمه و پیوست‌ها و فهارس الله‌دتا مضطر، بی‌جا: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

حسینی استرآبادی، سیدحسن‌بن مرتضی(۱۳۶۶)، از شیخ‌صفی تا شاه‌صفی(از تاریخ سلطانی)، به‌کوشش احسان اشراقی، تهران: چاپخانه بهمن.

حسینی، سیدحمید(۱۳۸۹)، پی آمدهای سیاسی تنش بین صفویه و عثمانی، فصلنامه سخن تاریخ، سال۴، شمارهٔ ۱۱، صص۳۲-۵۶.

خواجگی اصفهانی، محمدمعصوم(۱۳۶۸)، خلاصه‌السیر(تاریخ روزگار شاه‌صفی)، زیر نظر ایرج افشار، تهران: علمی.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین(۱۳۸۰)، حبیب‌السیر. مقدمه بقلم جلال‌الدین همایی. فهرست مطالب، اعلام تاریخی و جغرافیایی، قبایل و کتب و تصحیح متن زیر نظر محمد دبیرسیاقی.

دالساندری، وینچنتو(۱۳۸۱)، سفرنامه ونیزیان در ایران (سفرنامه‌های ونیزیانی که در زمان اوزون‌حسن آق‌قویونلو و اوایل عهد صفوی به ایران آمده‌اند)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.

دلاواله، پیترو(۱۳۷۰)، سفرنامه پیترو دلاواله(قسمت مربوط به ایران)، ترجمه، شرح و حواشی از شعاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.

رربورن، میشائیل(۱۳۸۴)، نظام ایالات در عهد صفویه. ترجمه کیکاووس جهانداری.تهران: علمی و فرهنگی.

روملو، حسن‌بیک(۱۳۵۷)، احسن‌التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.

رویمر و دیگران(۱۳۸۰)، تاریخ ایران:دوره صفویان،مترجم یعقوب آژند، تهران: جامی.

زنو، کاترینو(۱۳۸۱)، سفرنامه ونیزیان در ایران (سفرنامه‌های ونیزیانی که در زمان اوزون‌حسن آق‌قویونلو و اوایل عهد صفوی به ایران آمده‌اند). ترجمه منوچهر امیری. تهران:خوارزمی.

سارحان، بتول و روح اللهی امیری، زهرا (۱۳۹۹)، مناسبات تقابلی دولت صفوی و عثمانی، مجله تاریخنامهٔ اسلام، سال دوم، شمارهٔ۲ (پیاپی۴)، صص۹-۲۷.

سانسون(۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون(وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)، به کوشش و ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.

سیوری، راجر(۱۳۸۹)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: سحر.

شاردن، ژان(۱۳۷۲-۱۳۷۵)، سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه اقبال یغمائی، تهران: توس.

شاملو، ولی‌قلی‌بن داوودقلی(۱۳۷۱)، قصص‌الخاقانی، تصحیح و پاورقی سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شاه‌طهماسب(۱۳۴۳)، تذکره شاه‌طهماسب(شرح وقایع و احوالات زندگانی شاه‌طهماسب صفوی به قلم خودش)، تهران: کاوه.

شرلی(۱۳۵۷)، سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر، ترجمهٔ آئانس، با مقدمهٔ محبت آئین، تهران: منوچهری.

شیرازی، عبدی‌بیک(۱۳۶۹)، تکمله‌الاخبار(تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ ه.ق)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی.

عالم‌آرای صفوی(۱۳۵۰)، مجهول المولف، به کوشش یدالله شکری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

غفاری قزوینی، قاضی احمد(۱۳۴۳)، تاریخ جهان‌آرا، تهران: حافظ.

غفاری‌فرد، عباسقلی(۱۴۰۲)، دیوان‌سالاری و نظام اداری در روزگار صفویه. تهران: امیرکبیر؛ فلور، ویلم(۱۴۰۰)، دیوان و قشون در عصر صفوی. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگه.

فلسفی، نصرالله(۱۳۵۳)، زندگانی شاه عباس اول، تهران: دانشگاه تهران.

فلور، ویلم(۱۳۸۷)، دیوان و قشون در عصر صفوی، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.

فلور، ویلم(۱۳۹۵)، تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان (۱۹۲۵ – ۱۵۰۰) م. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.

فن دریابل، ژرژ تکتاندر(۱۳۵۱)، ایتر پرسیکوم، ترجمهٔ محمود تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

فیدالگو، گریگوریو پری یرا (۱۳۵۷)، گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه‌سلطان حسین صفوی، ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی از ژان اوبن، تهران: دانشگاه تهران.

فیدالگو، گریگوریو پری یرا(۱۳۵۷)، *گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه‌سلطان حسین صفوی*، ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی از ژان اوبن، تهران: دانشگاه تهران.

فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا(۱۳۶۳)، سفرنامه فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نو.

فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا(۱۳۶۳)، *سفرنامه فیگوئروا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نو.

قبادالحسینی، خورشاه(۱۳۷۹)، تاریخ ایلچی نظام‌شاه(تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۷۲ه.ق)، تصحیح، تحشیه، توضیح و اضافات محمدرضا نصیری و کوهیچی هانه‌دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

قمی، قاضی احمدبن شرف‌الدین‌الحسینی‌القمی(۱۳۸۳)، خلاصه‌التواریخ، به‌تصحیح احسان اشراقی، ۲ج، تهران: دانشگاه تهران.

کمپفر، انگلبرت(۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.

کمپفر، انگلبرت(۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.

کیانفر، محمدرضا(۱۳۸۳) تاریخ ایران و جهان، ، تهران، انتشارات بوستان وحید.

لاسیکووا، گالینا(۱۳۹۷)، آتش و باروت در هنر و دیپلماسی شاهان صفوی، ترجمهٔ فرزاد سلیمی‌فر، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال ۱۹، شمارهٔ ۷۶، صص ۱۱۷-۱۴۷.

متی، رودلف پ(۱۳۸۷)، اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ترجمهٔ حسن زندیه، تهران: پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه.

متی، رودلف پ(۱۳۹۰)، اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی. ترجمهٔ حسن زندیه. تهران: پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه.

متی، رودی(۱۳۹۷)، ایران در بحران، مترجم خسرو خواجه نوری، تهران: امیرکبیر.

مجهول المؤلف (۱۳۷۰)، عالم‌آرای شاه‌طهماسب، به کوشش ایرج افشار، تهران: دنیای کتاب.

مشیزی یردسیری، میرمحمدسعید(۱۳۶۹)، تذکرهٔ صفویهٔ کرمان. مقدمه و تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی. تهران: علم.

ممبره، میگله(۱۳۹۷)، سه سفرنامه: رابی بنیامین تطیلی، آنتونیو تنررو، میگله ممبره، مترجم حسن جوادی و ویلم فلور، تهران: بی‌نا.

منجم یزدی، ملاجلال‌الدین(۱۳۹۸)، *تاریخ عباسی(روزنامه ملاجلال)*، تاریخ ایران در روزگار شاه‌عباس صفوی، تصحیح مقصودعلی صادقی، تهران: نگارستان اندیشه.

منشی قزوینی، بوداق(۱۳۷۸)، جواهرالاخبار(بخش تاریخ ایران از قراقویونلوها تا سال ۹۸۴)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد. تهران: میراث مکتوب.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ(۱۳۵۰)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر.

نصیری، محمدابراهیم‌بن‌زین‌العابدین(۱۳۷۳)، دستور شهریاران(سال‌های ۱۱۰۵تا ۱۱۱۰ه.ق پادشاهی شاه‌سلطان‌حسین صفوی)، به‌کوشش محمدنادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری‌فرد (۱۳۸۸)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت.

واله اصفهانی، محمدیوسف(۱۳۷۲)، خلدبرین(ایران در روزگار صفویان)، به‌کوشش میرهاشم محدث، تهران: ، موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.